

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نویسنده: حکیم خطیب*

برگردان از: م. ن.

۲۷ فبروری ۲۰۱۶

شانسی برای ریفورم (اصلاحات بنیادی) دین اسلام



بسیاری از مسلمانانی که "داعش" را غیر-اسلامی می خوانند و ادعا می کنند، که اعمال داعش با "اسلام واقعی" هیچ ارتباطی ندارد، نمی توانند انکار کنند، که تعداد زیاد مسلمانان با تصویری که "داعش" از اسلام می دهد و با ایدئولوژی "داعش" همخواند. بنا بر این زمان آن رسیده، که یک انتقاد اساسی و بنیادی از دین اسلام صورت گیرد.

"حکیم خطیب"

به اصطلاح "دولت اسلامی - داعش" که در ابتداء به نام "دولت اسلامی در عراق و سوریه" یاد می شد، تا کنون جز تخریب، هرج و مرج و فرقه گرایی چیزی دیگری تولید نکرده است. این جهادگران با ستراتیژی تروریستی شان، به سرعت در بخش های بزرگ شرق سوریه همچنان در شمال و مرکز عراق گسترش یافتند.

"داعش" جنگجویان خود را از سراسر جهان استخدام می کند، اما به طور عمده از کشور های اسلامی. وطن بیشترین استخدام شدگان جهان عرب است. زمانی که "داعش" برای استخدام کمک گران و هواداران خود تبلیغ می کرد، در عین زمان روحانیون سنی مذهب بارها برای "کمک های اخلاقی و مادی" به شورشیان سوریه تبلیغ می کردند. به این ترتیب هزاران جنگجوی خارجی به کشور سوریه سرازیر شدند، تا به جهاد بپیوندند.

طبق یک بررسی علمی در رابطه به "داعش" به خصوص در رابطه به تعداد استخدام شدگان داعش، به نام "گروپ صوفان" Soufan Group حدس زده می شود، که اکثریت جنگجویان (تقریباً ۳۰۰۰ نفر) از کشور تونس اند، به تعقیب آن (تقریباً ۲۵۰۰ نفر) از عربستان سعودی، (تقریباً ۱۵۰۰ نفر) از مراکش، (تقریباً ۸۰۰ نفر) از روسیه، (۷۰۰ نفر) از فرانسه، از کشور های ترکیه و انگلیس (هریک تقریباً ۴۰۰ نفر). در این احصائیه، سوریایی ها و عراقی هائی که به "داعش" پیوسته اند، شامل نمی باشند.

رهبر عربی "داعش" در عراق "ابوبکر بغدادی" ست، که در سال ۲۰۱۴ خودش را به "خلیف ابراهیم" مُسماء کرد و به این ترتیب خود را با "محمد" [پیامبر اسلام] در یک قطار قرار داد.

رهبر "داعش" در سوریه "ابو محمد جولانی" ست (که نام خود را از بلندی های جولان که توسط اسرائیل اشغال شده است، الهام گرفته). "جولانی" به حیث "امیر دولت اسلامی" جنگ را در سوریه رهبری می کند. خلیف به معنی واقعی کلمه، جانشین – یعنی حاکم جامعه اسلامی ست، در حالی که امیر به معنی "شهزاده" – یک فرمانده نظامی و والی یک ولایت است.

بخش جدائی ناپذیر جوامع

به نظر می رسد، که "داعش" یک ستراتیژی ایدئولوژیک به وضوح سنجیده و روشن را تعقیب می کند. این [ستراتیژی ایدئولوژیک] باید به مسلمانان آشنا باشد، به خصوص به نخبگان سیاسی و مذهبی - آموزه هائی که هنوز هم در کتب درسی اسلامی موجود است، و در نماز جمعه موعظه می شوند.



" احمد الطیب" شیخ بزرگ دانشگاه الازهر قاهره، در پی حمله تروریستی در پاریس اظهار کرد: تروریسم یک بیماریست، که از اسلام به حیث یک پوشش سوء استفاده می کند. اعمال خشونت آمیز جهادگران در هیچ ارتباطی با اسلام قرار ندارد. "احمد الطیب" هوشدار داد: "این یک بی عدالتی بزرگ و نشان دهنده پیش قضاوتی هاست، که حملات [پاریس] را با اسلام ارتباط می دهند، فقط به دلیلی که عاملان آن "الله اکبر" صدا می کنند، و درعین زمان مرتکب جنایت می شوند".

ایدئولوژی "داعش" یکی از چندین قرائت دو متن مهم اسلام است. یعنی متن قرآن و سنت - سخنان، اعمال و کردار "محمد". "داعش" فرقه سلفی را بیشتر ترجیح می دهد. فرقه سلفی بخش افراطی بنیادگرانی در جوامع عربیست. اما برای اکثریت مسلمانان این چنین تفسیر آخر الزمانی از اسلام قابل قبول نیست.

"احمد الطیب" امام بزرگ دانشگاه الازهر در قاهره به این نظر است، که گروه های افراطی مردم را به نام "دولت اسلامی" داعش می‌کشند، حتی به معنای کامل کلمه، کُشتار می‌کنند. اینها نه از مسلمانان به صورت عموم نمایندگی می‌کنند، و نه از "پیامبر محمد" و آموزه های او. اعمال شنیع این گروه در حقیقت امر پیام واقعی اسلام را بار بار تحریف و بی حرمت می‌سازد.

علاوه به این، این مفتی بزرگ مصر توضیح داد، که این یک اشتباه بزرگ است، که یک سازمان تروریستی را "دولت اسلامی" نامید. گفتار و عمل این سازمان، ضد تعالیم انسانی و دینی ست و ضد مفاهیم حقوقی اسلام.

همچنان "انجمن جهانی فارغ التحصیلان الازهر" "World Association of Al-Azhar Graduates" "داعش" را به حیث یک سازمان کاملاً "غیر-اسلامی" و بخشی از یک توطئه بزرگ علیه جهان اسلام محکوم کرد – اگر "داعش" در شرق میانه باشد، یا "طالبان" در آسیا، یا "بوکوحرام" در نایجریا [همه اجزای این توطئه بزرگ اند].

"داعش" غیر-اسلامی (نامسلمان)



"داعش" را غیر-اسلامی خواندن، نه مانع ظهور صد ها سازمان جدید افراطی می‌شود، و نه شهرت اسلام و مسلمان را بهبود می‌بخشد. بنا براین ریفورم یا اصلاحات واقعی باید به ریشه های اسلام رسیدگی کند".

"حکیم طیب"

در رسانه های جهان عرب سیل آسا تلاش می‌شود، که به وسیله اخبار، تفسیر ها و تشریح ها، "دولت اسلامی – داعش" را به حیث یک سازمان غیر – مسلمان محکوم کنند. دانشمندان مشهور اسلامی از نقاط مختلف جهان، فعالیت های "داعش" را محکوم می‌کنند، و از پیامی پشتیبانی می‌کنند، که "داعش" هیچ ربطی به آموزه های اسلام ندارد، بلکه به عکس، در نابودی اسلام کمک می‌کند.

اما: اگر اعضای "دولت اسلامی – داعش" مسلمان به مفهوم واقعی آن نیستند، پس چه هستند؟ تمام شعار های این جهادگران بر مبنای اسلام است، همچنان تفسیر ایمان شان. بر روی پرچم شان نوشته است " هیچ معبودی جز خدا نیست، و محمد پیامبر اوست".

تصاویر تکان دهنده از خشونت های افراطی و بی رحمانه هواداران "داعش"، توجه را به مشکل واقعی نباید تغییر دهد: که دین اسلام به یک ریفورم و تجدید بنیادی نیاز دارد. هدف این [ریفورم] نباید دفاع از اسلام به هر قیمت، بلکه انتقاد بی دریغ از اسلام باشد.

بنا بر این، این ریفورم دینی باید خیلی وقت – یعنی از شروع تعلیم و تربیه آغاز گردد- در کتاب های مضامین دینی برای اطفال در مکاتب ابتدائی الی در دانشگاه های دینی و بالاترین شکل آموزش دینی مانند مساجد در نماز جمعه تا بتوان که همدیگر پذیری را تقویت و برای صلح کار کرد.

همچنین این ریفورم می تواند، طوری آغاز شود، که نهاد های مذهبی جهان عرب و اکثر کشور های اسلامی، از یک طرف نباید در مسائل سیاسی دخالت کنند و از طرف دیگر به نهاد های سیاسی اجازه داده نشود، که از دین به حیث سلاح علیه مخالفان سوءاستفاده و نهاد های مذهبی را به منظور حفظ قدرت سیاسی به خود جذب کنند.



تقویت تعلیم و تربیت در برابر خطرات افراط گرایی مذهبی: اصلاحات دینی باید خیلی زود شروع شود – در بخش معارف، یعنی در مکاتب ابتدائی، در کتاب های دینی اطفال، تا بالاترین شکل آموزش دینی.

درخواست برای ریفورم یا اصلاحات بنیادی

ظهور "دولت اسلامی- داعش" باید یک هشدار برای همه مسلمانان جهان باشد. مسلمانانی که "داعش" را غیر-اسلامی می خوانند و تأکید می کنند، که آنها از اسلام وقعی نمایندگی نمی کنند، نمی توانند مانع پیوستن مسلمانان با این جهادگران شوند.

به نظر می رسد، که از دیر وقت به این طرف اصلاحات بنیادی دین اسلام یک امر ضروری باشد. در غیر آن ، جهان یک ریسک بزرگ پیدایش سازمان های مشابه "داعش" را – در آینده نزدیک یا دور- متقبل خواهد شد. "داعش" را غیر- مسلمان خواندن، فقط یک حرکت توجیه گرانه ست، که هیچ ارتباطی با واقعیت ندارد. این توجیه نه مانع ظهور صدها سازمان افراطی دیگر می شود، نه تصویر اسلام و مسلمان را بهبود می بخشد. از این لحاظ ریفورم یا اصلاح واقعی باید از ریشه صورت بگیرد. هر منبع دینی باید تحت یک مطالعه عمیق و انتقادی قرار گیرد.

این یک واقعیت تکان دهنده - که " داعش" از درگیری های اعراب به وجود آمد، و از اسلام به مثابه سلاح استفاده می کنند- باید یک هشدار باشد، برای کسانی که هنوز هم به تجانس بین دولت و دین معتقد اند. عقاید مذهبی و سیاست را با هم تطابق دادن، تخریب یکی یا هردوی این اجزاء را در پی خواهد داشت. یا سیاست بر دین غالب می شود و آن را تخریب می کند، و یا این دین است که سیاست را تخریب می کند.

در مورد "داعش"، سیاست دین را تحت سلطه قرار داده است. اما از برجسته ساختن دین، برای مشروعیت دادن به اهداف سیاسی – قدرت استفاده می شود. گرچه استفاده به این طریق افراطی "داعش" را به کلی در انزوا قرار می دهد، اما این انزوا مانع استفاده از نسل کُشی نمی شود، تا بالای مخالفان خود غالب گردد.

علمای اسلامی باید در خط مقدم این ریفورم – اصلاح دینی قرار گیرند – فراتر از هر نوع سیاست و فراتر از خط فاصله ظاهراً بین اسلام "واقعی" و اسلام "غیر واقعی". البته این نیاز به یک چهارچوبی دارد که در قالب آن اولین سنگ تهداب این پروسه یا روند گذاشته شود. رهبران سیاسی کشور ها باید این پروسه را با دقت تحت نظر داشته باشند. این کافی نیست، که مسلمانان اعمال تروریستی را فقط محکوم کنند و آن را به حیث غیر- اسلامی رد کنند. باید یک تغییر واقعی صورت گیرد. و این تغییر باید همین حالا آغاز گردد.

=====

*** در باره نویسنده این مقاله:**

حکیم "خطیب" استاد دانشگاه فولدا/المان – در رشته ژورنالیزم، ارتباطات بین فرهنگ ها و در رشته سیاست و فرهنگ در شرق میانه است. در دانشگاه فلیپس شهر ماربورگ/المان در رشته علوم عملی تدریس می کند. تخصص او در رشته ادغام دین در زندگی سیاسی و گفتمان سیاسی در شرق میانه ست. او رئیس مجله انترنیتی "مشرق سیاست و فرهنگ" است.

© Qantara.de 2016 منبع: